



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم اخبار مربوط به فقه اسلامی طوری بیان شده که هم متعرض احکام و هم مجری احکام شده و از مجری به عنوان والی یا حاکم یا سلطان یا امام تعبیر شده است که به اندازه ای قدرت دارد که می تواند مبانی فرهنگی را کاملاً عملی کند و تعلیم و تربیت اسلامی را محقق سازد و همچنین امور سیاسی و مدیریت و جهاد و تنظیم امور جهاد همگی در کف قدرت اوست لذا امام رضوان الله علیه فرمودند ولایت فقیه را ما خودمان ابتکار نکردیم بلکه در کتب و روایات ما وجود داشت منتهی در حوزه ها و در صفحات کتب محبوس بود و ما آن را به صحنه زندگی آوردیم و عملی ساختیم علی ای حال از تعبیرات مذکور ولایت فقیه استفاده می شود.

امروز چند خبر از ابواب مقدمات الحدود می خوانیم، عنوان باب ۲۹ از ابواب مقدمات الحدود این است: "وجوب إقامة الحد علی الکفار إذا فعلوا المحرمات جهراً أو رفعوا إلی حاکم المسلمین".

خبر اول: ﴿عبد الله بن جعفر في (قرب الأسناد) عن عبد الله بن الحسن، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال: سألته عن يهودي، أو نصراني، أو مجوسي اخذ زانيا، أو شارب خمر ما عليه؟ قال: يقام عليه حدود المسلمین إذا فعلوا ذلك في مصر من أمصار المسلمین أو في غير أمصار المسلمین إذا رفعوا إلی حاکم المسلمین﴾<sup>۱</sup>.

صاحب وسائل وسائل تقریباً از ۱۵۰ کتاب خبر نقل کرده که نصف آنها در اختیارش بوده و از بقیه با واسطه نقل کرده

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۳۸، ابواب مقدمات الحدود، باب ۲۹، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

که یکی از کتاب ها قرب الإسناد می باشد، عن عبدالله بن جعفر که از مشایخ و محدثین و روات و علماء بزرگ قم بوده، عن عبدالله بن الحسن که در سند قرب الإسناد واقع شده توثیق نشده ولی کتاب مورد اعتماد فقهاء است، عن علی بن جعفر که مقامش معلوم می باشد.

زمانی که بنده نماینده امام رضوان الله علیه در اروپا بودم خبرنگاران دائماً برای مصاحبه می آمدند، در پاریس خبرنگاری در مصاحبه ای به من گفت ما شنیده ایم در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حدود جاری می شود، من گفتم این فرهنگ ماست و برای جلوگیری از مفاسد حدود جاری می شود، بعد گفت حدود در چه زمینه ای هستند، بنده حدود را شرح کردم اما وقتی به حفظ عفت رسیدم دو نفر مترجمی که آنجا بودند و حرفای ما را برای خبرنگاران به زبان فرانسوی ترجمه می کردند گفتند در زبان فرانسه و اروپا ما کلمه ای که عفت را بفهماند نداریم! زیرا هر چیزی که ما خلاف عفت می دانیم آنها مثل آب خوردن انجام می دهند لذا اصلاً عبارت و لغتی ندارند که ما عفت را به آنها بفهمانیم، خب این تفاوت فرهنگ ما با آنهاست، انقلاب ما بر اساس قرآن صورت گرفته و در قرآن مسئله عفت مطرح و تأکید شده است، بعد به موضوع قطع کردن دست دزد رسیدیم که گفتند این خیلی خشن است و اسلام خیلی خشونت دارد، ما گفتیم شرایط زیادی وجود دارد تا دست دزد بریده شود باز گفتند خشونت است، بنده گفتم خشونت آن است که شما فرانسوی ها یک میلیون نفر از مردم الجزائر که زیر سیطره استعماری شما بودند را کشتید و گاهی صد نفر را باهم داخل کوره می ریختید در واقع حمله کردن به یک کشوری و کشتار مردم آن بخاطر خواسته های استعماری و استکباری خشونت می باشد، علی ای حال در خبر مذکور کلمه حکام المسلمین ذکر شده است که غیر از فقیه کسی نمی تواند این عنوان را داشته باشد.

تقطع یده من أجل ردائي يا رسول الله؟ قال: نعم، قال: فانا أهبه له، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: فهلا كان هذا قبل أن ترفعه إلي، قلت: فالامام بمنزلته إذا رفع إليه؟ قال: نعم، قال: وسألته عن العفو قبل أن ينتهي إلى الامام؟ فقال: حسن<sup>٤</sup>.

خبر سندا صحیح است و در آن لفظ امام بکار رفته است.

خبر پنجم: ﴿و عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أخذ سارقا فعفا عنه فذلك له، فإذا رفع إلى الامام قطعه، فان قال الذي سرق له: أنا أهبه له لم يدعه إلى الامام حتى يقطعه إذا رفعه إليه، وإنما الهبة قبل أن يرفعه إلى الامام وذلك قول الله عز وجل: " والحافظين لحدود الله " فإذا انتهى الحد إلى الامام فليس لأحد أن يتركه<sup>٥</sup>.

عثمان بن عيسى واقفی المذهب است ولی موثق می باشد لذا سند موثق است و همان طور که می بینید در این خبر نیز لفظ امام بکار رفته است.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

خبر دوم: ﴿و عن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن بعض أصحابنا، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل أقيمت عليه البينة بأنه زنى، ثم هرب قبل أن يضرب، قال: إن تاب فما عليه شيء، وإن وقع في يد الإمام أقم عليه الحد، وإن علم مكانه بعث إليه<sup>٢</sup>.

کلینی عن ابي علي الأشعري که احمد بن ادریس است و از اساتید کلینی می باشد، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن بعض اصحابنا مبهم است لذا خبر مرسل به ابهام واسطه می باشد، عن أبي بصير که يحيى بن قاسم أسدی است که از أجلاى روات ما می باشد.

در این خبر لفظ الإمام ذکر شده است.

خبر سوم: ﴿محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن العلاء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قلت له: رجل جنى إلى أعفو عنه؟ أو أرفعه إلى السلطان؟ قال: هو حقتك إن عفوت عنه فحسن وإن رفعته إلى الإمام فإنما طلبت حقتك، وكيف لك بالإمام<sup>٣</sup>.

خبر در اعلى درجه صحت قرار دارد و همان طور که می بینید در آن لفظ امام بکار رفته است.

خبر چهارم: ﴿و عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الرجل يأخذ اللص (دزد) يرفعه؟ أو يتركه؟ فقال: إن صفوان بن أمية كان مضطجعا في المسجد الحرام، فوضع رداءه وخرج يهريق الماء، فوجد رداءه قد سرق حين رجع إليه، فقال: من ذهب بردائي؟ فذهب يطلبه، فأخذ صاحبه فرفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله، فقال النبي صلى الله عليه وآله: اقطعوا يده فقال الرجل:

<sup>٤</sup> وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ١٨، ص ٣٢٩، ابواب مقدمات الحدود، باب ١٧، حديث ٢، ط الإسلامية.

<sup>٥</sup> وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ١٨، ص ٣٣٠، ابواب مقدمات الحدود، باب ١٧، حديث ٣، ط الإسلامية.

<sup>٢</sup> وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ١٨، ص ٣٢٨، ابواب مقدمات الحدود، باب ١٦، حديث ٤، ط الإسلامية.

<sup>٣</sup> وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ١٨، ص ٣٢٩، ابواب مقدمات الحدود، باب ١٧، حديث ١، ط الإسلامية.